

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

عبدالمتین کوهدامنی
پشاور – پاکستان
۱۱ جنوری ۲۰۰۹

روی "سپین" شود سیاه!

آخرین تیر از سیستان

در گیر و دار افتضاح آقای سیستانی و دفاعیه های ریاکارانه اش از دختر شیردل افغان، خانم ملالی جان جویا، گند آقای اکادمیسین سیستانی از آب بیرون افتاد و چنانچه پیش بینی میشد، یک لاشه گندیده به گنداب تاریخ سپرده شد. همان قسمی که در مقالات قبلی ام گفته بودم، آقای سیستانی خواست سچل و سوانح خود را از کثافات ماضیه پاک گردانیده و خود را در رسته عناصر ملی و وطن پرست دو آتشه جا بزند. او آخرین خیز بلند را در همین مناقشه به کار انداخت، ولی چال حضرت والایش نگرفت و چاهکن خود در چاه بدنامی ابدی افتاد.

سیستانی صاحب که از ضربات تباهن نویسندگان راسخ الرأی و پاکدل پورتال افغانستان آزاد قد راست کرده نتوانسته بود، خواست از تاریکی سیستان تیری به سوی رستمان رها نماید و افسوس که این تیر به سنگ بدنامی خورده، برگشت و به سینه تیرزن اصابت کرد. این تیرزن نام مستعار "م. سپین" را انتخاب کرده بود و نمیدانست که بهترین رنگ بر روی پرده سفید، همانا "سیاه" است که ما مردم همیشه گفته ایم که: « سیاهی با سفیدی نقش بندد.»

سیستانی که با غر و فش و پا حمایت اعضای ترسوی افغان جرمن در میدان رقص گد شده بود، در اول جانانه رقصید. دست انداخت و پای انداخت و آنقدر پایکوبی کرد که آخر به زمین خورد و لگن خاصره و لخم سرین خود را شکستاند. حالا سیستانی صاحب با این لگن و لخم شکسته، نه نشسته میتواند، نه راه رفته میتواند و نه حتی خواب کرده میتواند. سیستانی که هم بخاطر خود و هم بخاطر خوشخدمتی نقاب پوشان افغان جرمن داخل میدان رقص گردیده بود، فقط دو سه رقص کرد و همه فکر میکردند، این رقص نامی، با آن زنگ و جامن افغان جرمن، عرصه را بر حریف تنگ ساخته و او را باصطلاح خلع سلاح و خلع حیثیت میکند. ولی غافل بود از اینکه آفتاب به دو انگشت پت نمیشود و همیشه زیر لکه های ابر افترا و بهتان باقی نمیماند. درست همین کار صورت گرفت و در حالی که آن مبارز صدیق و دانشمند نخبه افغان حیثیت و وقار خود را بمانند صخره های هندوکش و بابا نگاه داشت، سیستانی چون فضله آبی در بیابان سیستان فرو رفت و برای ابد ناپدید شد. شاید قرنها بعد باستان شناسان و کالبدشگافان حین کاوش های خود استخوانهایش را بیابند و

بدین نتیجه برسند که: « هیولائی بوده که با خوردن هزاران تیر زنده میگشته، تا آن تیر کاری زده شد و آن هیولا را نقش زمین ساخت.»
درین کارزار دو کس بدنام گردیدند:

یکی خود آقای سیستانی که بمانند بچهٔ فلم رول داراسنگ را بازی کرد و در آخر بدست حریف قوی پنجه کشته شد. و دیگر سایت افغان جرمن که محرک و هیزم بیار معرکه بود و با دول های دو سرهٔ لوگری سیستانی را آنقدر رقصاند، تا از پای افتاد و در گور بدنامی ابدی فرو رفت. سایت افغان جرمن هم فرجام بهتر نداشت، بلکه با خوردن هزاران تیر، جبروتش بر زمین خورد و نامی کمائی کرد که فقط نصیبهٔ انسانهای بدبخت و تیره روز است. همین لحظه که این نوشته تا اینجا رسیده بود، تلفون بصدا درآمد و دوست عزیزم بعد از احوال پرسى گفت: « از رسوائى آخر سیستانی و سایت افغان جرمن خبر شدی؟» گفتم، نه خبر نشده ام، زود باش بگو که چه گپ شده؟ گفت:

« همان مقالهٔ "سه نظر از میان یکصد نظر در مورد ملالی جویا" در اول به نام "کاندیدای اکادمیسین سیستانی" در سایت افغان جرمن انداخته شده بود، ولی حدوداً سه ساعت بعد نام نویسنده عوض گردیده و در عوض "سیستانی"، شخص گمنامی بنام "م. سپین" عرض اندام کرد!» گفتم بارک الله، که در گفته ام به اشتباه نبوده ام، چون از اول درک کرده بودم که آن مقاله از خود سیستانی صاحب است، ولو که زیر نام مستعار "م. سپین" هم عرضه گردیده بود!

در آخر این نوشته یک سوال باقی می ماند که سیستانی چرا نام مستعار "م. سپین" را برگزید؟ جواب خیلی ساده است. او با انتخاب "م" مخفف فکر میکرد که مردم آنرا مخفف "محمد" و یا "مرد" و یا "موقر" و غیره میپندارند، اما غافل بود از اینکه همین "م" میتواند مخفف "مردار" و "مرده" و "منحوس" و "منفور" و غیره هم باشد. مثلی که این آقای اکادمیسین از منطق بهره یی اندک داشته و آخر کار را درست نسنجیده بود و قیاس کرده نمیتوانست، که تیرش بمانند "بامرنگ" بخودش راجع میگردد. حالا که "م" را توجیه کردیم، کلمهٔ قشنگ "سپین" را نیز تشریح میکنم. این لغت که کلمهٔ زیبای پشتو است، زیب نامهای تاریخی از قبیل "زردشتر سپین تمان" یعنی "زردشت پاکدامن" گردیده بود. وی درست به همین خاطر میخواست، یک گذشتهٔ تاریک و سیاه را در پناه این لغت، "سفید" و "پاک" جلوه بدهد. اما نیرنگ والا جناب نگرفت و دام پای صیاد را بگرفت.

تا صحبت آینده